

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

عبد المتین کوهدامنی  
پشاور – پاکستان  
۳۰ جنوری ۲۰۰۹

## "وزیر فتح خان" جنگسالار بود

### یا "کینگ میکر" و "قهرمان"؟

مدتها بود که جناب سیستانی حق و ناحق در باره شخصیت های خوشنام و بدنام تاریخی افغانستان مقالات پی در پی نوشته میکردند. در حالی که پرکاری جناب سیستانی در این ساحه قابل اجگذاری میباشد، ولی همان قسم که در یکی از نوشته هایم گفته بودم، وقتی پای استنتاج از وقایع تاریخی به نفع زمانه حال و مستقبل به میان آید، پای سیستانی صاحب لنگیدن میگردد. نوشته های مفصل سیستانی صاحب در مورد مجاهدین و غزبان جنگ و جهاد مقابل انگلیس ها، از قبیل غازی عبد الله خان اچکزی، نایب امین الله خان لوگری، محمد شاه خان باکر خیل و جان محمد خان غازی وردگ و غیره همه از همین سمت و سو بود. جناب سیستانی در باره "وزیر فتح خان" نیز یک سلسله مقالات دنباله دار نوشته کردند و از کارنامه های او تذکرات مفصل دادند. ایشان از درایت های نظامی وزیر فتح خان و رول "کینگ میکر" او بسیار گفتند، اما نگفتند که تمام این عملیات نظامی وزیر فتح خان که از نگاه فن حرب بسیار جالب اند، از رهگذر سیاست و مصالح افغانستان، خیلی تباهکن بوده است. ما در مضمون تاریخ مکاتب هم همین نکات را خوانده بودیم، ولو به اختصار و نه بدین تفصیل. آنچه را در مضمون تاریخ برایما درس ندادند، رول بسیار منفی و انهدامگر زیر فتح خان بود که در یک لحظه حساس تاریخ ما بازی کرد.

من حتی در زمانی که در مکتب بودم و تاریخ وطن خود را از بان معلمین تاریخ می شنیدم، فکر همیشه بدین نکته جلب میگردد، که چرا خانه جنگی ها بین شاهان و مدعیان زمامداری در روند روز قرار داشت و چگونه همین کشمکش ها زمینه فروپاشی یک امپراتوی عظیم منطقه را، که شاهان منطقه و خصوصاً پادشاهان فارس از ابهت آن بخود میلرزیدند، فراهم ساخت و در نتیجه نه تنها افغانستان خاک های خود را از دست داد، بلکه دست استعمار در وطن ما دراز گردید. همین نکات فکر مرا در آن زمان و بعد ها بخود معطوف میداشت.

راستش را بگویم، وقتی سلسله مقالات سیستانی صاحب را در افغانستان آزاد خواندم، امیدوار بودم که ایشان از نقش خیلی منفی وزیر فتح خان هم سخن خواهند گفت. متأسفانه اینطور نشد و آقای سیستانی نه تنها از وزیر فتح خان یک شخصیت تاریخی و ملی تراشیدند، بلکه او را در رول یک قهرمان ملی هم دیدند، عین رولی را که امروز در

وجود آن جنگ سالار معروف ائتلاف شمال دیدیم و دانستیم که وی نیز بمانند وزیر فتح خان میخواست است افغانستان عزیز را به تجزیه و توتّه توتّه شدن بکشاند. اینها دردهایی بودند که حس میکردم، ولی کسی بدادم نمیرسید و دستم را نمیگرفت تا به حقایق دست یابم. تا اینکه مردی مبارز از تبار آزادهگان در سایت افغانستان ازاد دست به قلم برد و رول وزیر فتح خان را شکافت. گرچه ایشان این بحث را تمام نکرده اند، ولی از شیوه انتقادی بحث ایشان معلوم میشود که این دانشمند نستوه و این تحلیلگر زبده تاریخ، پرده از زوایای تاریک تاریخ وطن ما برمی دارد و آنچه را دیگران نگفته اند، همه را مو به مو به ما میگویند.

این تحلیلگر واقع بین و خیراندیش افغان، همانا جناب سید حسین موسوی میباشند که هم غم و سعی و تلاش و فهم و درایت خود را وقف روشنگری سیاسی فرزندان وطن کرده و گوشه های مکتوم تاریخ وطن ما را از دید نقادانه و دلسوزانه بررسی میکنند. مقاله ایشان زیر عنوان «وزیر فتح خان، جنگ سالاری از قماش دوستم» در دو بخش این امید را در دل ما روشن ساخته است که رول منحوس وزیر فتح خان را بالاخره از دید یک مؤرخ وارسته و بیطرف و یک دانشمند مبارز بخوانیم و درک نماییم.

حالا سؤال در اینجاست که آقای سیستانی در برابر این سلسله مقالات چه موقفی را اتخاذ میکنند؟ آیا باز هم بر همان پندار و درک نادرست خود پافشاری خواهند کرد و یا اینکه جانانه اقرار خواند نمود که آنچه ایشان میپنداشتند و بخورد خلق خدا میدادند، از جنس تاریخ نه، بلکه از جنس "تحریف تاریخ" بوده است. روزهای آینده در قبال ماست و ما در میدان عمل زور تاریخدانی سیستانی صاحب را درک خواهیم نمود. گرچه بعد از آن همه رسوایی هایی که سیستانی براه انداخت و نام سایت نسبتاً خوشنام افغان جرمن را با لجن آلوده کرد و بعد از آن همه ضربات کاری که از هر طرف متوجه سیستانی گردید، گمان نمی کنم که ایشان دوباره قد راست کرده و مجلس آرایبی نمایند.

بالاخره باید آقای سیستانی در برابر نوشته های عالمانه و مستدل جناب موسوی موقوف بگیرد. یا سخنان قبلی خود را تأیید نماید و یا همه را رد کند و بر هرچه از تاریخ نوشته خط تکذیب بکشد. امید است که این نوشته از نظر ایشان بگذرد، تا خود را اندک جمع و جور کرده از خیال پلوهای گذشته، به سرزمین واقعیتها نقل مکان نمایند.

تا صحبت آینده